



بررسی نگاه شریعتی به مدرنیته/ شریعتی رهبر آینده تفکر ایران است

دکتر خسروپناه در مناظره‌ای در باب مدرنیته در تفکر شریعتی یادآور شد: قطعا شریعتی دارای منظومه فکری بود و شخصیت پراکنده‌گویی نداشت اما شریعتی را در قالبهای غربی نگذاریم چون او نه مدرن و نه پست مدرن بود بلکه او تجددگزینی با رویکرد انتقادی داشت.

مناظره خسروپناه و عبدالکریمی/

بررسی نگاه شریعتی به مدرنیته/ شریعتی رهبر آینده تفکر ایران است

دکتر خسروپناه در مناظره‌ای در باب مدرنیته در تفکر شریعتی یادآور شد: قطعا شریعتی دارای منظومه فکری بود و شخصیت پراکنده‌گویی نداشت اما شریعتی را در قالبهای غربی نگذاریم چون او نه مدرن و نه پست مدرن بود بلکه او تجددگزینی با رویکرد انتقادی داشت. به گزارش خبرنگار مهر، برنامه زاویه 29 خرداد در آستانه سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی میزبان بیژن عبدالکریمی و عبدالحسین خسروپناه بود تا در خصوص روایت شریعتی از مدرنیته و غرب به گفت و گو بپردازند. شریعتی به عنوان یک روشنفکر دینی آراء متفاوت و گاه متعارضی درباره غرب و مدرنیته داشته است. بر همین قیاس تحلیلگران نیز در مقام توصیف نگاه شریعتی به تحلیل های گوناگونی رسیده اند. برخی او را متفکر بومی گرا و مخالف مدرنیته دانسته اند و برخی دیگر عقیده دارند شریعتی یک متفکر مدرن و وفادار به بنیان های مدرنیته است. به همین منظور برنامه 171#&زاویه&؛ درباره این هفته خود این آراء متعارض را به بحث می گذارد.

در ابتدای این برنامه که از شبکه چهار سیما پخش شد؛ دکتر بیژن عبدالکریمی استاد دانشگاه آزاد اسلامی در پاسخ به این سؤال که دستگاه فکری شریعتی برای جامعه امروز ایران در باب مدرنیته راه حلی را ارائه می دهد یا خیر؟ گفت: شریعتی متفکر است و آراء هر متفکری از عناصر چهارگانه یعنی مبادی فکری، آموزه ها، متد تفکر و بصیرتهای بنیادی تشکیل می شود. وقتی می گوئیم شریعتی از بصیرتهای بنیادینی است که در شریعتی وجود دارد.

وی با بیان اینکه من بین شریعتی و شریعتیسم تفاوت قائل هستم، یادآور شد: شریعتیسم تکرارگویی آموزه هاست در حالیکه شریعتی با یک متفکر از منظر دیگر روبرو هستیم. در اندیشه شریعتی یک بصیرت بنیادین وجود دارد که شریعتی را معلم تفکر آینده ما می کند. شریعتی تنها معلم انقلاب ما نبود بلکه از عصر ما بسیار فاصله دارد به گونه ای که معلم تفکر آینده ما هم هست.

شریعتی رهبر آینده تفکر ایران است

دکتر عبدالکریمی به تفاوت نوگرایان و سنت‌گرایان پرداخت و گفت: نوگرایان که شیفته عقلانیت مدرن هستند این گروه عمدتا در فضای غرب زیست می کنند و یک موضع ضد سنت دارند لذا مواجه این جریان با سنت تاریخی ما بسیار توتالیته است و سنت تاریخی را درک نمی کنند و در نهایت سنت تاریخی ما می میرد. اما در گروه دوم به معنای کلی سنت‌گرایان ما هستند و چون در سنت سیر می کنند از مواجه مناسب با عقلانیت مدرن ناتوانند و اینها هرچه در عالم مدرن هست را می خواهند در ساختار عالم سنت ببرند و اینها هم با حالت توتالیته با عقلانیت مدرن روبرو هستند.

وی تأکید کرد: جنس تفکر شریعتی به عنوان یک رهبر آینده تفکر ایران، نه از سنخ نوگرایان و نه از سنخ سنت‌گرایان است بلکه مواجهه شریعتی با غرب پدیدارشناسانه است. او به غرب نه شیفتگی دارد و نه نگاه ضد سنت دارد. در بطن آثار شریعتی مدرنیته و سنت تاریخی ما برخوردار از دو نظام معرفت شناسی هستند که یکی را بر دیگری نمی توان تقلیل داد. هم واقعیتها و هم پدیده ها و هم

اندیشه‌ها دارای لایه‌های متعدد و متکثر و ذوابعاد هستند لذا صورت‌پذیری‌های متعددی از پدیده‌ها می‌توانیم داشته باشیم و بنابراین نمی‌توانیم اندیشه‌های متفکری مثل شریعتی را مدرنیته یا پست مدرن و یا سنت‌گرا بدانیم.

این استاد فلسفه در ادامه یادآور می‌شود: پرسشهایی مثل اینکه آیا تفکر شریعتی نظام‌مند است یا نه و یا او در مواجهه با غرب عقلانی است یا خیر و... برخاسته از روح ایدئولوژیک است؛ به این معنی که شیفتگان عقلانیت مدرن مواجهه ضد سنت دارن و سنت‌گرایان هم ضد عقلانیت مدرن هستند و با وجود تعارضات ایدئولوژیکی که دارند در یک چیز اشتراک دارند یعنی هر دو گروه به امکان سومی برای مواجهه سنت و دوران مدرن قائل نیستند. اینکه می‌گویم، مواجهه شریعتی با غرب پدیدارشناسانه است به این معنی است که شریعتی وقتی از سنت تاریخی و عقل مدرن و مدرنیته صحبت می‌کند اجازه می‌دهد که خود پدیدارها سخن بگویند و نگاه تحلیلی ندارد.

شریعتی افق معنایی خاصی بر روی ما گشود/ هیچکدام از متفکران نتوانستند به راه حل تعارض سنت و مدرنیته پاسخ دهند

عبدالکریمی در پاسخ به این سؤال که سنتز شریعتی از مواجهه سنت و مدرنیته چیست؟ و آیا در تفکر شریعتی عدم انسجام دیه می‌شود؟ گفت: وجود عدم انسجام در متفکرانی مثل فارابی و ابن سینا ارزشش بیش از افرادی مثل ابوالعلاء معری و یا اخباریون است در واقع این عدم انسجام در تفکر ایرانی وجود داشته است چون اندیشیدن به پرسشهای بنیادین و عدم انسجام فکری اصیل تر است از کسانی که صورت مسئله را پاک می‌کنند یعنی هر عدم انسجامی نشاندهنده ضعف دستگاه فکری نیست. این سؤال مهمی است که آیا اساساً حل تعارض بین سنت و مدرنیته در قامت بشری است؟ از زمانی که مدرنیته ظهور کر تلاشهای زیادی شد از سنت تاریخی دفاع شود چه در غرب و چه در شرق این مسئله را می‌بینیم و هیچکدام از متفکران نتوانستند به راه حل تعارض سنت و مدرنیته پاسخ دهند.

این استاد دانشگاه افزود: آنچه شریعتی را شریعتی کرد این بود که او افق معنایی خاصی را در اختیار ما قرار داد و یک نوع دیالکتیک بین عقلانیت مدرن و سنت تاریخی ایجاد کرد. شریعتی درس بزرگی به ما می‌دهد و شریعتی مثل بسیاری از روشنفکران و متفکران به یک نظام نظری آگاهانه انسان‌شناسانه منقح دست یافته است و صحبت‌های من بر بصیرتهای بنیادین است و شریعتی افق جدید بر روی ما گشود.

خسروپناه: شریعتی روشنفکری متعد بود/ شریعتی تجددگزين با رویکرد انتقادی بود

حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز در این نبرنامه از شریعتی به عنوان روشنفکر متعهد یاد کرد و گفت: شریعتی بحثهایی تحت عنوان تاریخ و تمدن دارد و تمدنهای گذشته و مدرن غرب و دوره شکوفایی اسلامی را بیان می‌کند و بعد به معرفی تمدن غرب و نقد تجدد غرب می‌پردازد. در اینجا باید ببینیم شریعتی تمدن و تجدد را چه معنی می‌کند. برخی فکر می‌کنند جامعه‌ای متمدن است که متجدد باشد، بعد نتیجه می‌گیرند، هر که متجدد شد، متمدن می‌شود. در حالیکه مقصود شریعتی از تمدن- که در تعریف او بار مثبتی دارد- این گونه است که زمینه مساعد و بارآوری که هر استعدادی امکان شکوفایی داشته باشد. در نظر او جامعه‌ای متمدن است که زمینه فعلیت بخشی استعدادها را آزادانه داشته باشد.

وی در ادامه افزود: اما تعریف شریعتی از تجدد این است که تغییر سنتها و مصرفهای گوناگون و زندگی کهنه به جدید و متجدد شدن یعنی شبیه اروپایی شدن و 9 خصوصیت را در مورد فرهنگ جدید غرب می‌شمارد که اصالت قدرت، اصالت طبقه، اصالت زندگی،

نظم، مصرف، خودمحوری، اومانیزم و... از جمله آنهاست. شریعتی با نقد تجدد غرب نسبت به مصرف گرایی و مصرف بیشتر برای تولید بیشتر انتقاد دارد و می گوید اروپا توانست به این مرحله برسد و جوامع دیگر را نیز مصرف زده کند.

این استاد حوزه و دانشگاه یادآور شد: در تقسیم تجدد برخی تجددگرا، برخی تجددستیز و برخی تجددگزین هستند و شریعتی از گروه سوم است و البته تجددگزینی شریعتی با رویکرد انتقادی است. شریعتی تلاش کرد که بین سنت اصلاح شده با تجدد انتقادی را جمع کند که ما به نوعی این جهت گیری را در امام خمینی(ره) و شهید مطهری نیز می بینیم اما به روشهای متفاوت. لذا امروز هم ما باید نگاه گزینشی و انتقادی به تجدد غرب مبتنی بر عقلانیت داشته باشیم.

نگاه جدی شریعتی به فرهنگ

حجت الاسلام خسروپناه تأکید کرد: قطعا شریعتی دارای منظومه فکری بود و شخصیت پراکنده گویی نداشت اما شریعتی را در قالبهای غربی نگذاریم چون او نه مدرن و نه پست مدرن بود. شریعتی با عقلانیت فلسفی یونانی مخالف است به یک معنا با روشهای قیاسی و استدلالی موافق نیست و با عقلانیت سوپژکتیو مدرن یعنی عقلانیت ابزاری منفک از وحی و دین هم مخالف است و به عقلانیت تجربه قائل است ولی در کنار وحی آن را می پذیرد و گاهی برای تثبیت عقلانیت استدلالی از قرآن استفاده می کند.

وی افزود: شریعتی می گوید برخی خیال کردند غربی ها دین را کنار گذاشتند و رشد کردند که این حرف غلطی است. علت عقب ماندگی قرون وسطایی این بود که منطق مسیحیت قرون وسطی یونان زدگی و آخرت گرایی بود و منطق تجدد دنیاگرا شد و آخرت را فراموش کرد. لذا می گوید راه حل ما این است که عقلانیت تجربه را تقویت کنیم و به وحی و بینش قرآنی و در کنار آن به دنیا نیز توجه داشته باشیم. شریعتی به آبادانی دنیا معتقد است لذا نه منطق قرون وسطایی را می پذیرد و نه دنیای مدرن را که دنیاگرا و آخرت سوز است را می پسندد.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در پایان تأکید کرد: شریعتی قطعا به تقابل سنت و مدرنیته پاسخ داده است شاید پاسخ کسانی مثل مطهری و شریعتی نقایصی داشته باشد اما به نسبت زمان خودشان جواب داشته اند. نگاه مهم شریعتی نگاه به فرهنگ است. او فلسفه مدرن را قبول ندارد و به فرهنگ مدرن که مصرف گرایی است هم نقد جدی دارد.